ترجیح قول سید بر صاحب جواهر بر عدم تقیه بودن رویت قبل از زوال

(18:32)

اگر کسی به اتکا اینکه جواهر بعداً آمده، به این فرمایش ایشان اعتماد کند، از جاهایی میشود که -همان مطلبی که اوّل مباحثه عرض کردم - گرفتارش میشود. ببینید سید از عامه در مصابیح دو تا نقل میکند. فرمودند:

> **و قد حكى القول باعتبار الرؤية قبل الزوال عن أبي يوسف و الثوري. و لا يجوز أن يكون التقيّة منهما؛ لأنّ أبا يوسف إنّما صدرت عنه الفتاوى في زمن الرشيد حين استعمله للقضاء و لم يعهد منه الفتوى في زمن الصادق عليه السّلام. و لا يعدّ ذلك في تقيّة أيّام أبي حنيفة- كما قيل- و أمّا الثوري فهو و إن كان في عصره عليه السّلام إلّا أنّ التقيّة منه دون أبي حنيفة و مالك بعيد جدّا. هذا فيما روي عن أبي عبد الله عليه السّلام، و أمّا ما روي عن أبي جعفر عليه السّلام، كصحيحة محمّد بن قيس و مرسلة الصدوق في الفقيه، فلا يتوهّم فيه الحمل على التقيّة؛ لتقدّم عصره. [1]**

«و قد حكى القول باعتبار الرؤية قبل الزوال» از دو نفر فقط» **«عن أبي يوسف و الثوري. و لا يجوز أن يكون التقيّة منهما»؛** اصلاً نمیشود از این دو طرف تقیه کنند. **«لأن أبا يوسف إنّما صدرت عنه الفتاوى في زمن الرشيد»؛** ابویوسف مفتی زمان هارون الرشید بود. امام صادق علیه‌السلام سال‌ها قبل از او شهید شده بودند تا از او تقیه کنند. همین دو نفر هستند که رؤیت قبل از زوال را میگویند. از او تقیه کنند؟!

«و لم يعهد منه الفتوى في زمن الصادق عليه السّلام. و لا يعدّ ذلك في تقيّة أيّام أبي حنيفة»؛ که جلوتر بود.

«و أمّا الثوري فهو و إن كان في عصره عليه السّلام إلّا أنّ التقيّة منه دون أبي حنيفة و مالك بعيد جدّا»؛ مالک و ابوحنیفه فتوا دارند. امام با آنها مخالفت کنند و تقیتاً بیایند با سفیان ثوری موافقت کند؟! چه کسی این احتمال را میدهد؟! این برای زمان امام صادق علیه‌السلام بود.

«هذا فيما روي عن أبي عبد الله عليه السّلام، و أمّا ما روي عن أبي جعفر عليه السّلام، كصحيحة محمّد بن قيس و مرسلة الصدوق في الفقيه، فلا يتوهّم فيه الحمل على التقيّة؛ لتقدّم عصره»؛ امام باقر علیه‌السلام بر همه اینها مقدم بودند. شهادت حضرت در صد و چهارده بوده که در آن زمان ابو حنیفه یک جوان بوده. چطور می‌شود امام باقر از ابوحنیفه که اول مفتی اهلسنت است، تقیه کنند؟! این فرمایش سید بود.

ببینید عبارت جواهر به جای ثوری، چه کسی را گفته اند؟ «كأبي ثور وأبي يوسف»؛ چندتا ابی ثور داریم، ولی آنی که فقیه است و بسیار مهم است و صاحب فتوا است و «صاحب الشافعی» است، یعنی از شاگردان مبرز شافعی است، «ابوثور کلبی» است که وفاتش در دویست و چهل است. برایش تاریخ تولد نگذاشته اند ولی ذهبی در سیر می‌گوید هفتاد سال یا بیشتر عمر کرده. دویست و چهل وفاتش است. اگر هفتاد سال عمر کرده باشد،حدود صد و شصت و پنج به دنیا آمده است. خب شهادت امام صادق صد و چهل و هشت بوده، یعنی قریب بیست سال بعد از شهادت امام علیه‌السلام تازه ابوثور متولد شده. ولی خب فقیه بسیار مبرزی است. فتوا دارد اما این نیست که شما بگویید « كأبي ثور وأبي يوسف الذين هما في زمن الصادق عليه‌السلام ». خیلی عجیب است که در جواهر این اشتباه باشد! اگر هم غیر او مراد باشد، غیر او ندارید. تا جایی که من گشتم ابو ثور دو-سه نفر هستند؛ یکی از آنها صاحبی است، بقیه آنها محدث هستند، اصلاً مفتی نبوده اند که جزء فقها باشند. یک ابوثور معروف همین ابوثور کلبی است که دویست و چهل وفات کرده و شاگرد شافعی است.

اما «ابویوسف»، معروف است که ابویوسف از شاگردان ابو حنیفه است. خود ابوحنیفه که استاد این ابویوسف است، دو سال بعد از امام صادق از دنیا رفته. صد و پنجاه وفات کرده. شهادت امام علیه‌السلام صد و چهل و هشت است. ابو یوسف صد و هشتاد و دو وفات کرده است. یعنی حدود سی و چهار سال بعد از شهادت امام علیه‌السلام از دنیا رفته است. آن وقت ابویوسف در زمان امام بوده که امام از او تقیه کنند؟! او که در معرض فتوا نبوده تا تقیه کنند. لذا عبارت جواهر به این نحو سر نمی‌رسد. و فرمایشات سید خوب است.

سید فرموده اند: [سه]نفر مخالف داریم؛«عن أبي حنيفة و مالك و الشافعي عدم اعتبار الرؤية قبل الزوال و إنّما احتجّوا عليه بما روه عن أبي وائل منصور بن سلمة».

---

[1] رؤيت هلال، ج۳، ص: ۱۹۸۴

بازبینی #2
ایجاد شده 7 فوریه 2026 15:28:59 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 فوریه 2026 15:41:35 توسط ... .